



آغاز خوش مجلس اعتدال

فواد عبدالمهدی

روز موعود بلاخره رسید و مجلس دهم باز شد. با تصفیه اقلیتی از تندروهای دو جناح، کاملا معلوم بود که معتدل های هر دو جناح، مجلس را تسخیر میکنند و روحانی و دولتش پهلوان پنبه پیروز این میدان خواهند بود. قانون بازی اینها همان است که بود. کسی کسی را حذف نمیکند؛ "اپوزیسیونی" در کار نیست؛ اتحاد تاکتیکی طرفین و کش دادن این اوضاع به نفع هر دویشان است. اینها برخلاف دوره های پیشین، اینبار در سایه مقام معظم زیاد شلوغ نکردند، معتدل های دو جناح را غربال کردند و استخوانی هم جلوی تندروهای دو طرف پرت کردند. میخواهند آنقدر آسه بروند و آسه بیابند و قدم به قدم حرکت کنند که مردم فرصت ابراز وجود و دخالت پیدا نکنند. این فرمول هر دو جناح و هدف مقدس مجلس دهم است. اکنون که قوه مقننه هم به قوه مجریه پیوسته، میخواهند کنترل کامل اوضاع دستشان باشد.

۱- در این میان، شاید برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی، اصولگرایان تندرو عملا به موقعیت "اپوزیسیون" پرتاب شدند. مقاومت امثال احمدی نژاد و شریعتمداری ایزدیی و غیر موثر باقی ماند. از یک طرف، با قرار گرفتن خامنه ای در راس هدایت برجام و معامله با غرب، تندروهای این جناح عملا حمایت ولی فقیه را از دست دادند و سرشان بی کلاه ماند. از طرف دیگر، اوضاع سیاه منطقه خاورمیانه و جنایات و گرز چرخی های داعش، آبرویی برای اسلام و مبانی فکری اش باقی نگذاشت. انزوا و هزیمت فکری تندروهای طیف راست نزد جامعه بیش از هر چیز نطفه تلاش و عقب نشینی ایدئولوژیک رژیم اسلامی را در خود حمل میکند. عاقل ترهایشان این را سریعاً فهمیدند. ... صفحه ۲

معدن طلا و شلاق سرمایه!

حزب حکمتیست - خط رسمی

۱۷ کارگر معدن طلای "آق دره" در آذربایجان غربی به شکایت کارفرمای پیمانی معدن "پویا زرکان" جریمه شدند و شلاق خوردند. بیش از ۵۰۰ کارگر معدن آق دره از دل کوه و تونل بدون هیچ حقوق قانونی و با قراردادهای یک ماهه برای کارفرما طلا استخراج می کنند. در یک سال اخیر کارفرما کلیه قراردادهای قدیمی تر را لغو و همه را به قرارداد یک ماهه تبدیل کرده است. کارگران در پایان هر ماه و پایان اعتبار قرار داد منتظر

استخدام جدید و یا اخراج هستند. این کابوسی است که استخراج کنندگان طلا، شبانه روز را با آن سر می کنند. در پایان سال ۹۳ شرکت "پویا زرکان" به عنوان پیمانکار اصلی معدن طلای آق دره ۳۵۰ نفر از کارگران فصلی این معدن را به دلیل تمام شدن مدت قرارداد کاریشان تعدیل "اخراج" کرد. کارگران با تجمع خود در مقابل نگهبانی به این اخراج اعتراض کردند. یک کارگر اخراجی تحت فشار روحی و یاس و ناامیدی خودکشی کرد. ... صفحه ۲

کی بود کی بود،

من نبودم

بختیار پیرخضری



رفسنجانی در مراسم سی و چهارمین سالگرد دانشگاه آزاد اسلامی در کمال وقاحت گفته است که من "مخالف انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه های ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ بوده ام. در آن زمان دانشجویان قیام کردند و دانشگاهها تعطیل شد و اسمش را انقلاب فرهنگی گذاشتند و این کار اشتباهی بود و من با آن مخالف بودم".

نیار به معرفی و کارنامه جنایتکاری مثل رفسنجانی برای نسل چندم انقلاب نیست. اما لازم به یادآوری این نکته هست که در همان زمان انقلاب فرهنگی، وی از هسته اولیه شورای انقلاب اسلامی بود که طرح انقلاب فرهنگی در محیط های آموزشی را به خمینی اهدا کرد. همچنین ایشان از موسسین حزب جمهوری اسلامی، از موسسین سپاه پاسداران، از موسسین جامعه روحانیت مبارز و یا از قول خیلی از "روحانیون مبارز"، وی نفر دوم جمهوری اسلامی پس از خمینی بود. بستن دانشگاهها برای دو سال و بازگشایی آن با کتب درسی اسلامی، حذف چند رشته درسی و جایگزینی رشته های جدید

سند کمیته های

کمونیستی

جنبشی

مصوبه کمیته رهبری

۲۱ مه ۲۰۱۶ - صفحه ۴

به طبقه کارگر در

فرانسه و مدافعین

این طبقه

تشکیلات خارج کشور حزب

حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۴

مذهبی، نظارت اسلامی بر ترجمه و تالیف و اخراج، تعقیب، دستگیری، زندان و اعدام دانشجویان و استادان چپ و کمونیست و هر مخالف جمهوری اسلامی از طیف های دیگر از جمله اهداف "انقلاب فرهنگی" ایشان در دانشگاهها بود. طرح و پیاده کردن این ایده فوق ارتجاعی و قرون وسطایی که در برابر دستاوردهای انقلابی بود که بخشی از آن در دل دانشگاهها و از فرزندان طبقه کارگر بیرون آمده بود.

بعد از شرکت نفت و کارخانه ها که پس از مدتی از دست کارگران خارج شد و به چنگ نمایندگان جمهوری اسلامی درآمد در آن دوران اصلی ترین سنگر مقاومت و دفاع از دستاوردهای انقلاب ۵۷، دانشگاهها بودند. ... صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

معدن طلا و شلاق سرمایه ...

اما دستگاه قضایی در حمایت از کارفرما با پرونده سازی های رایج و به جرم "افتشاش"، ۱۷ کارگر معترض را به جرمه نقدی و زندان و شلاق محکوم کرد! این است خصلت دولتی که در خدمت منافع سود و سرمایه است. دولتی که ابزار بورژوازی برای سرکوب کارگران است. دولت، مجلس، دستگاه قضایی، حوزه های علمیه و نیروهای امنیتی و نظامی که وظیفه شان تحمیل استثمار و بیحقوقی به ضرب دستگیری، زندان و شلاق کارگر است. از زمان برده داری و در جوامع طبقاتی تا کنون، شلاق و تازیانه و سرکوب طبقات دارا و صاحبان ثروت و قدرت بر گرده انسان کارکن فرود آمده است. قیام بردگان

شلاق را از دست صاحبان معادن و ثروت و قدرت انداخت. اما بورژوازی و دولت نماینده آن در کمال بیشمرمی عهد عتیق ترین مجازاتها را علیه طبقه کارگر احیا کرده است.

رفقای کارگر!

طبقه کارگر ایران زخم های عمیقی از جرمه و اخراج و استثمار و بی حقوقی و بیکاری و فقر و دستمزد کم و زندان و شلاق و ... بر بدن دارد. اما این ازلی ابدی نیست. طبقه کارگر و کارگران کمونیست و آگاه به منافع طبقاتی خود نباید از این جنایات چشم پوشی کنند. نباید بیش از این توحش سرمایه داری را تحمل کرد. نمیتوان بیش از این شاهد شلاق زدن کارگر به جرم اعتراض به اخراج بود. این نه تنها توهین به طبقه کارگر که در حقیقت صاحب اصلی و

گرداننده چرخ های جامعه است بلکه عقب گرداندن کل جامعه به قرون وسطی است. این بخش کارگری به همیاری و همبستگی صفوف طبقه خود نیاز دارد. هر شلاقی بر بدن یک کارگر فرود می آید شلاقی است بر بدن کل طبقه ما. این اهانت و گستاخی بیشرمانه سرمایه داران و دستگاه های قضایی و پلیسی حامی شان را نباید بی جواب گذاشت. کارگران صنایع و مراکز بزرگ و کوچک کارگری بهر شکل ممکن شلاق زدن همسروشان را محکوم و این را با صدای بلند و به هر وسیله ممکن اعلام می کنند. بورژوازی و دولت حامی شان باید این واقعیت را بپذیرند که تاوان سیاست و عملکرد ننگین توهین و تحقیر و تنبیه کارگران را در خدمت سود بیشتر سرمایه هایشان خواهند داد.

نمی توان بیش از این نظاره گر تصرف و غارت معادن و منابع و همه درآمدهای سرشار جامعه از جانب سرمایه داران بود و انتظار کشید. نباید بیش از این نظاره گر عملکرد دولت بورژوازی در خدمت سرمایه و سود و بر علیه طبقه کارگر بود و منتظر ماند. باید این جانیان صاحبان سرمایه و دولتشان را بزیر کشید.

طبقه کارگر و افق انقلاب کارگری این است که ثروت و قدرت را از بورژوازی بگیرد و جامعه ای آزاد و برابر بسازد. جامعه ای بری از استثمار و تحقیر و تهدید انسان و شلاق زر و زور. جامعه ای آزاد و برابر که شایسته انسان است.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست

(خط رسمی)

۷ خرداد ۹۵ (۲۷ مه ۲۰۱۶)

آغاز خوش مجلس ...

با اینحال، آنچه با از کف رفتن حضور در مجلس برای این طیف تندرو از جناح راست محتمل تر است، رشد سیاست های استیصال آمیز تر و ماجراجویانه تر در صفوف این طیف است.

۲- برای طیف موسوم به "اصلاح طلبان"، روزنه و فرجه ای برای مانور "پوزیسیون" نمانده است. تنها برگ موجود در آستین شان بپاکردن جبهه ای متشکل از حامیان دولت، دوم خردادی های سابق و اصولگرایان معتدل در برابر اصولگرایان تندرو و "انتقاد" از دولت هشت ساله احمدی نژاد بود. در همان فردای انتخابات مجلس بار دیگر معلوم شد که "دگر اندیشی" و سیاست "دفاع از اصلاحات" برای این موجودات زبان بسته چیزی جز خیردار ایستادن در مقابل خامنه ای با پادرمیانی روحانی نیست. لیست امید با آن همه کبکبه و دبدبه که ادعای تسخیر مجلس را داشت، بزور توانست فراکسیونی ۶۰ نفره سرهم کند. حقیقتا نیز تجربه به این طیف "متواضع" آموخته است که جز خدمت به بقای نظام و تقویت خط رهبر کاری نکنند. "آقا" خود در راس اعتدال و همه کارها است. پایان "مرگ بر آمریکا" و

تعمیل برای پر کردن درز تاریخی جمهوری اسلامی با دولتهای غربی، تمام شاکله و محتوای دوخرداد بود که بدون دخالت آنها به سرانجام رسید.

اکنون و از منظر جامعه پشت اینها رو به دیوار است. موقعیت امروز جنبش شان اقتضا میکند که با خیمه زدن و تستیج چرخاندن در حاشیه دولت و مجلس اعتدال روحانی تنها به مدیریت کارهای حسینییه اقتدا کنند. این تمام داستان "اصلاحات" و رئالپولیتیک این جریان است. اینها نه تنها قایق جمهوری اسلامی را تکانی ندادند بلکه خود همیشه بخشی از سرنشینان آن بوده اند. موسوی، کروبی، خاتمی، حجاریان، سروش و گنجی و مابقی سرکردگان و "دگراندیشان" این طیف، امروز آشتی طلب ترین و خاموش ترین عناصر این جنبش اند. اینها نیز مانند اصولگرایان معتدل در جستجوی یک فصل مشترک سیاسی با جناح مقابل و تنش زدایی اند. مجلس دهم بارگاه این وصال و همگرایی است.

۳- تمام علائم حاکی از آن است که معتدلین لخت و بی سیر در مقابل جامعه قرار گرفته اند و آه و ناله از دست احمدی نژاد هم دیگر بردی ندارد و دقیقا همین به شریعتمداری و شرکا امکان "افشاگری" را داده است.

با این حال، "افشاگری" های اصولگرایان تندرو در نشان دادن شکست برجام و ناتوانی های "مدیریت اشرافی" دولت روحانی در مقابله با بیکاری و اوضاع وخیم اقتصادی، شاید علیرغم ماندن این طیف در پشت درهای مجلس، ظاهرا استفاده درون جناحی داشته باشد اما ساده لوحی محض است اگر کسی تصور کند اینها به جنگ دولت و مجلس اعتدال و خامنه ای می روند. دم زدن اینها از "رفاه" و "معیشت" در لباس مستضعف پناهی، یادآور خطر بلقوه ای است که در اعماق جامعه میجوشد. و آن چیزی جز ریختن توهم میلیونی مردم به "گشایش اقتصادی و سیاسی" تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیست. آتش زیر خاکستری که بنیان حاکمیت سرمایه و مذهب را در هم میپیچد. این آن خطری است که همه جناح ها را بر متن شلاق زدن کارگر و خفقان سیاسی حاکم به تکاپو بر سر راه چاره حفظ نظام در گامهای پیش رو متحد میکند.

حال که دولت و مجلس پاسخی جز سرکوب مطالبات رفاهی مردم محروم ایران و در قبال مسائل اجتماعی که موجد اوضاع وخیم اقتصادی و سیاسی امروز است، ندارند، باید از حالا در فکر علم کردن یک سوپاپ اطمینان در مقابل اعتراض علیه فقر باشند. باید

آلترناتیوی از میان کثیفترین لایه ها و مهره های در تشری خوابانده شده رژیم هوا کنند تا بار دیگر رفاه و معیشت و آزادی مردم را گرو بگیرند. و اینجاست که اصولگرایان تندرو تحت عنوان اپوزیسیون درون حکومتی بدریشان میخورد.

۴- باید در مقابل وعده وعیدهای فکاهی و پوچ "گشایش اقتصادی" دولت روحانی و مجلس مربوطه ایستاد. و به همان اندازه مهمتر باید در برابر پوپولیسم بی مایه ای که از شریعتمداری تا محبوب در وصف معیشت و رفاه کارگران راه انداخته اند به مقابله برخاست. نباید گذاشت که مطالبات رفاهی طبقه کارگر، خواست آزادی های سیاسی و اجتماعی، بیش از این بازچه دست گرگ های رنگارنگ بورژوازی شود. سیاه و سبز و بنفش تا امروز تنها یک حقیقت را به به ثبوت رسانده اند: شراکت شان در عداوت با رفاه و آزادی طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم ایران!

خودآگاهی به این امر در ذهن جامعه و طبقه کارگر ناچار است نهایتا به یک رویارویی متحزب، متحدانه و طبقاتی علیه اردوی گندیده حاکمین امروز بیانجامد. این مهمترین رسالت کمونیستها و اولویت حزب ما است.

سند کمیته های کمونیستی جنبشی

مصوبه کمیته رهبری

۲۱ مهر ۲۰۱۶

مقدمه: کمونیستها برای انقلاب کارگری، خلع ید از بورژوازی، و کسب قدرت سیاسی مبارزه میکنند. انقلاب کارگری محصول مبارزه یک طبقه عظیم اجتماعی علیه سرمایه داری، و برای لغو بهره کشی انسان از انسان است. جایگاه پرولتاریای صنعتی، در مرکز چنین تحول انقلابی است. چنین انقلابی بدون شکل گیری احزاب کمونیستی کارگری بانفوذ و قدرتمند، انجام نخواهد گرفت. حزب حکمتیست برای ایفای چنین نقش و احراز چنین جایگاهی تشکیل شده است. اما برای ایفای چنین نقش و احراز چنین جایگاهی، ارائه بهترین طرح ها، بدون رجوع به فاکتورها عینی و در نظر گرفتن شرایط روز، عملی و موثر نخواهد بود.

فاکتورهای عینی:

کمیته های کمونیستی جنبشی:

- ۱- امروز دامنه دسترسی حزب حکمتیست و همه احزاب و سازمانهایی که به خود چپ و کمونیست میگویند، به فعالین کمونیست طبقه کارگر، نفوذ در میان شبکه های فی الحال موجود آنها، و ایفای نقش بعنوان لولای اتحاد آنها، بدلائل مختلف محدود است.
- ۲- بعلاوه بعنوان یک فاکتور تاریخی، در صفوف طبقه کارگر ایران، در میان طیف کارگران رادیکال سوسیالیست، آژیتاتورهای سوسیالیست، و رهبران عملی و سازماندهندگان مبارزات جاری طبقه کارگر، هنوز تجزیه خطی صورت نگرفته است.
- از این رو: حزب حکمتیست ارتقا شبکه
- ۱- هدف از تشکیل این کمیته ها تحزب بخشیدن به یک فعالیت فی الحال موجود اجتماعی در طبقه کارگر، و ارتقا آن تا سطح "کمیته های کمونیستی" است که در این سند مختصات آن ذکر شده است.
- ۲- ارتقا آگاهانه تحزب کمونیستی موجود در طبقه کارگر، تنها بر متن سازمان تولید و سوخت و ساز اجتماعی و واقعی در جامعه صورت میگیرد.
- ۳- کمیته های کمونیستی جمع آگاهانه رهبران، آژیتاتورها و فعالین کمونیست فی الحال موجود در طبقه کارگر در یک جغرافیای معین است، که

با هدف رهبری کردن مبارزه طبقه کارگر در تمام وجوه آن در حوزه فعالیت خود، متشکل شده اند.

۴- "کمیته های کمونیستی"، در تفاوت با شبکه های محافل موجود در طبقه کارگر، از سطح بالاتری از تحزب و سازمان و قبول مسئولیت و موازین برخوردار است. بعلاوه این کمیته ها معطوف به یک جغرافیای معین، مثلا یک کارخانه، یک محله (که ممکن است یک یا چند کارخانه و کارگاه و محل را هم در بر بگیرد)، یک شهر و یا هر محدوده جغرافیایی دیگر است.

۵- اعضا این کمیته ها میتوانند بر محور آنچه که مانیفیست بیان کرده است، جمع شوند و "کمیته کمونیستی" خود را تشکیل دهند. پلانفرم این کمیته ها میتواند از جمله این باشد که: کمیته برای اتحاد طبقه کارگر به منظور سازماندهی انقلاب سوسیالیستی و سرنگونی حکومت بورژوازی تلاش میکند.

۶- اعضا کمیته های کمونیستی، علاوه بر کارگران کمونیست، میتوانند کمونیست های برجسته ای که در آن جغرافیای معین در اتحاد، آگاهی و مبارزه طبقه کارگر نقش دارند، را نیز در بر گیرند.

۷- فعالیت کمیته های کمونیستی همه وجوه مبارزه و زندگی طبقه کارگر را، در حوزه فعالیت خود، تحت پوشش قرار می دهد. از مبارزه دایم برای رفاه و بهبود شرایط کار و زندگی، تا مبارزه با داده های سیاسی بورژوائی و مبارزه با مرد سالاری در تفکر و عمل کارگران، از نشان دادن نقش مذهب در دامن زدن به توهم و پراکندگی در طبقه کارگر، و مبارزه با داده های ناسیونالیستی از هر نوع، تا مبارزه با محدود نگری ها و

محافظة کاری های موجود در میان فعالین طبقه، و تلاش برای اینکه طبقه کارگر بیاموزد که به هر سیاست و تحول اجتماعی از زوایه منافع طبقه کارگر بنگرد، و برای تحکیم اتحاد طبقاتی در مقابل هر نوع تفرقه صنفی یا قومی و ملی و جنسی در میان طبقه کارگر سد ببندد، تا آگاهی نسبت به تفاوت منفعت طبقه کارگر با همه طبقات دیگر، مضمون فعالیت کمیته های کمونیستی است.

۸- مبارزه با پلیس و حفظ امنیت کمیته و اعضا آن، یکی از ارکان کار جدی این کمیته ها است. از آنجا که اعضا این کمیته ها رهبران و فعالین اجتماعی و بانفوذ و موثر در طبقه کارگرند، نقش و تاثیر کمیته، در بلند مدت، از دید کارفرما و پلیس مخفی نمی ماند. لذا فعالیت و کار بر اساس توازن قوای واقعی، آموزش نسل جدید کارگران کمونیست، تلفیق درست کار عملی و مخفی، فن مبارزه با پلیس، مخفی ماندن اعضا کمیته و محل جلسات و ارتباطات کمیته با کمیته های دیگر و... از اهمیت جدی برخوردار است.

۹- حزب حکمتیست بعنوان بخش تحزب یافته کارگران کمونیست و رادیکال سوسیالیست، خود را متعهد میداند که با تامین افق مانیفیست کمونیست و همژمونی سیاسی-ایدئولوژیک و سبک کاری خود، تمام نیروی خود را برای تشکیل، اتحاد و انسجام سیاسی مبارزاتی این کمیته ها به کار گیرد.

حکمتیست را توزیع و
پخش کنید

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

به طبقه کارگر در فرانسه و مدافعین این طبقه

رفقای عزیز

اراده شما برای مقابله مستقیم علیه تصمیم دولت اولاند به تغییر در قانون کار، تا کنون موجی از امید و حمایت طبقه کارگر اروپا را با خود به همراه داشته است و سرها را به سمت شما چرخانده است.

مبارزات طبقه کارگر فرانسه در به تصویب رساندن ۳۵ ساعت کار در هفته، ۱۱ ساعت استراحت ممتد بین هر دو روز کار و ۳۵ ساعت استراحت ممتد در هر هفته، از جمله پیشروی های اساسی طبقه کارگر علیه بورژوازی در قرن ۲۱ است. چنین دستاوردهایی باعث افتخار طبقه کارگر در سراسر جهان است. و امروز نیز مبارزه جاری شما از پشتیبانی

کارگران کشورهای دیگر برخوردار است. سرمایه داران و دولت هایشان دائماً و بی وقفه سعی بر این دارند که عملکرد نظامشان در بوجود آوردن ارتش ذخیره کار را پنهان کنند، و به این ترتیب به تفرقه میان کارگران و پایین آوردن سهم شان از کل تولید در جامعه دامن زنند. میدیای آنها نیز بی شرمانه بلندگوهایش را بکار گرفته تا اراجیفی چون "زندگی آسوده کارگران در فرانسه" و "حق کارفرمایان در بیکار سازی کارگران" و غیره را نعره زنند تا سرمایه داری و حرکت کور آن بدنبال سود را از دیده ها پنهان سازند. تغییراتی که در قانون کار در فرانسه در دستور است، خود یکی دیگر از روش های تحمیل ریاضت اقتصادی و انداختن بار بحران سرمایه بر

دوش کارگران است.

با وجود تمام تلاش سفیفانه بورژوازی و پرده ساتری که میدیا پهن کرده است تا مبارزه شما را هرچه بیشتر سانسور کند، هم طبقه ای های شما در کشورهای دیگر بدقت مبارزات شما را دنبال می کنند. این مبارزه تنها محدود به فرانسه و امری فرانسوی نیست و تاثیراتی بر مراتب بین المللی دارد. همانگونه که بورژوازی فرانسه حمایت طبقاتی جهانی خود را دارد، شما نیز تنها نیستید و از پشتیبانی و همبستگی کارگران در سراسر دنیا برخوردارید.

واضح است که دولت فرانسه حاضر نیست به آسانی دست از این تصمیم خود بکشد، و بایستی آنچه‌تان تحت فشار قرار گیرد تا مجبوره پذیرفتن یک عقب نشینی کامل شود. برای اعمال چنین فشاری، همبستگی طبقاتی با مبارزه شما نیز، مسلماً امری حیاتی است. ما

با سازمان دادن اعتراضات و هر آنچه در توان داریم برای اعمال فشار بر دولت فرانسه وارد عمل خواهیم شد تا شکست را بپذیرد و تمامی تغییرات را در قانون کار ملغی اعلام کند. ما تمامی کارگران و تشکلات کارگری را فرا می خوانیم تا با استفاده از هرگونه امکاناتی که در اختیار دارند، همبستگی شان را از اعتراضات و اعتصابات سراسری شما ابراز کنند.

بی شک پیروزی شما در عقب راندن دولت فرانسه و ملغی کردن تمامی تغییرات در قانون کار، یک پیروزی برای ما و کارگران تمامی کشورهاست.

زنده باد همبستگی بین المللی

طبقه کارگر

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست

(خط رسمی)

۲۷ مه ۲۰۱۶

کی بود کی بود ...

احزاب و بویژه کمونیست ها دفاتر خود را داشتند، نشریات و روزنامه های خود را منتشر میکردند، جلسات سخنرانی و میز کتاب و دهها شیوه و روش فعالیت و مبارزه دیگر را پیش می بردند. نگاه ها و دید جامعه به دانشگاه معطوف شده بود. به همین دلیل بود که شورای انقلاب اسلامی که دانشگاه را بزرگترین خطر در برابر انقلاب ناتمام می دید با طرح انقلاب فرهنگی و با در میان گذاشتن آن با خمینی در کمتر از دو ماه این طرح را پیاده کردند. شورای انقلاب نمایندگان خود را به دانشگاهها فرستادند و مهلت سه روزه را برای بیرون کردن و بستن دانشگاهها دادند. خود رفسنجانی قبل از مهلت سه روزه برای سخنرانی و قانع کردن استادان و دانشجویان به دانشگاه تبریز رفته بود که با هو کردن و نوشتن شعارهایی بر در دیوار دانشگاه علیه خودش مواجه شده بود. پس از سه روز مهلت با خشونت تمام به دانشگاهها حمله ور شدند و با زور اسلحه و لت و پار کردن و زخمی کردن دهها دانشجو و استاد توانستند

دانشگاهها را تسخیر کنند.

رفسنجانی و بنی صدر از بانیان اصلی این طرح بودند که به خمینی فشار برای فرمان هر چه زودتر دستور را آورده بودند. سروش و چند سر سپرده دیگر هم اجرا کردن این طرح را به عهده داشتند که آنچه‌تان که از مصاحبه و سخنرانی های خود این عالی جنابان در آن زمان پیداست این طرح بزرگ را به خوبی پیش بردند. اجرا کردن این طرح مساوی بود با از بین بردن هر مخالف جمهوری اسلامی در محیط های آموزشی. این طرح فقط به اعدام و کشتار مخالفان در اوتل انقلاب بسنده نکرد. بلکه ادامه آن ترور هنرمندان و رهبران اپوزیسیون، از غلام کشاورزها، صدیق کمانگرا، فریدون فرزادها، تا شاپور بختیار و قاسملو و در ادامه اعضای کانون نویسندگان همچون پوینده و مختاری و قتلهای زنجیره ای و تا همین اواخر هم به قتل دهها دانشجوی چپ و کمونیست از جمله علیرضا داوودی انجامید. اگر رفسنجانی که یکی از بانیان اصلی این طرح بود می گوید من مخالف بوده ام نباید از بنی صدر و سروش و امثالهم که از هر گونه جنایت و قتل و کشتار برای بنا

نهادن جمهوری اسلامی کم نگذاشتند انتظار داشت که خود را مبری نکنند. تک تک این افراد در کمال وقاحت و پر رویی در مصاحبه های جدیدشان بیان میکنند که ما مخالف این طرح بوده ایم. یا که این طرح اهداف دیگری را دنبال میکرد اما اشخاص دیگری سرخود کارهای دیگری میکردند که از دست ما خارج بود. جالب است که بیشتر مصاحبه های آن زمان همین "اصلاح طلبان" و "صلح دوستان" امروزی بر روی شبکه های اجتماعی دست به دست میگرد که با چه افتخاری به بستن دانشگاه و قتل عام مخالفین و یا به قول خودشان پاکسازی دانشگاه ها اقرار میکنند و از یکدیگر دست پیشی میگیرند. این عالیجنابان سبز و صورتی شده هیچ وقت از جنایاتی که کرده اند ابراز پشیمانی نکرده اند. هیچ وقت در پیشگاه مردم هزاران خانواده های اعدامیون عذر خواهی نکرده اند. فقط چون زمانه عوض شده است، چون می بینند که خشم نسل جوان دامنگیر نظام شان شده است، چون می بینند دیگر نمی توانند بیشتر از این همچین طرحی را در محیط های آموزشی پیاده کنند و چون بنا به

مقتضیات زمان و برای نگه داشتن نظام سبز و معتدل شده اند، لازم می بینند خود را از همچین طرح هایی مبری کنند و به گردن یکدیگر یا کسانی که توسط انقلابیون ترور شدند بیندازند. اینها هنوز دستشان در خون هزاران انقلابی و مخالف نظام است، خودشان هم به خوبی به این مسئله آگاه هستند به همین دلیل است که جنایاتشان را به گردن همدیگر و "گروهها و افراد سرخود" می اندازند.

این کی بود کی بود من نبودم های امثال رفسنجانی، بنی صدر، سروش و ... شاید برای اصلاح طلبان حکومتی و حامیان اکثریتی- توده ای و حزب بی بی سی خریدار داشته باشد اما برای نسل جوان و معترض به کل حاکمیت جمهوری اسلامی قبح و ارزشی ندارد. دور نیست روزی که اینها در فردای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی، توسط جوانان و مردم محاکمه شوند.

www.hekmatist.com

www.hekmatist.com

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com